

یادداشت روزنامه‌نگار مستعفی

سلب‌ریتی‌هاوزلزله‌وباقی‌قضایا



لیلی فرهادپور

● اومبرتو اکو (فیلسوف و نویسنده محبوب من) نایغه پست‌مدرن قرن‌وسطایی (به قول دکتر امیرعلی نجومیان، نشانه‌شناس) مقاله معروفی دارد تحت عنوان «چگونه با چهره‌های آشنا برخورد کنیم». من به همه توصیه می‌کنم مخصوصا این روزها که بحث رفتن سلب‌ریتی‌ها به مناطق زلزله‌زده در افواه مطرح است، این مقاله را در اینترنت بجویند و پیدا کنند و بخوانند. من خلاصه‌اش را اینجا بازگو می‌کنم، اما باز هم تاکید می‌کنم خواندن متن اصلی با طنز اکو از واجبات این روزهاست. در این یادداشت اکو شرح می‌دهد که روزی در خیابان بنه آنتونی کوپین بسر می‌خورد و چگونه دست‌وپایش را گم می‌کند. اومبرتو می‌نویسد: «ناگهان نگاهش به طرفم چرخید. دیگر فرصت فرار نبود... تنها چند قدم با هم فاصله داشتیم. ... داشتم پس می‌افتادم، چهره‌ی متعشع‌ش به من لبخند می‌زد، آنتونی کوپین بود! مسلما هیچ‌وقت در زندگی‌ام او را ندیده بودم و البته او هم مرا. در یک‌هزارم ثانیه توانستم خودم را جمع‌وجور کنم و درحالی‌که چشم‌انم را به آسمان دوخته بودم، از کنارش رد شوم... بعدها که به این ماجرا فکر کردم، به این نتیجه رسیدم اتفاقا قضیه‌ی خیلی عجیب‌وغریبی هم نبوده... چهره‌های اینچینی در ذهن ما خانه کرده‌اند. ما در طول روز ساعت‌ها تلویزیون تماشا می‌کنیم و این چهره‌ها پیرامان آشنا می‌شوند، به اندازه‌ی خوشیاوندانمان، حتی بیشتر...»

شب وقتی اسطوره آغاز قرن ۲۱ که خود شهره آفاق بوده و کتاب‌هایش تیراژ میلیونی داشته و دارد و جزو فیلسوفان درجه‌یک زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی است، در مواجهه با یک سلب‌ریتی چنین شوکه می‌شود، چه انتظاری می‌توان از یک فرد عادی و معمولی که جز در بین فامیل، دوست و آشنایانش کسی نمی‌شناسدش داشت؟ این اکو بود که توانست خودش را جمع‌وجور کند و چشم به آسمان بدوزد و از کنار آنتونی کوپین رد شود. آیا همه ما می‌توانیم چنین رفتاری داشته باشیم؟قبلا هم گفته بودم که اکنون من یک تورپیست فرهنگی هستم و در سینما و تئاتر و تلویزیون به صورت تورپیستی گاهی بازیگری می‌کنم. الان هم سرر یک پروژه سینمایی (اصطلاح سینمایی‌ها برای فیلم سینمایی) در شمال هستم؛ در کنار یک خاندن سلب‌ریتی ایرانی. (فعلا به دستور تهیه‌کننده نمی‌توانم اسمش را بیاورم) دیشب رفته بودیم شهر خرید (چون هر دو گیاه‌خوار هستیم و همه عوامل تولید فیلم مانده‌اند که چگونه می‌توانند شکم ما را سیر کنند!!) جالب است بدانید؛ هرگاه قدم می‌گذارشیم، از سبزی‌فروشی تا خواروبارفروشی، اول پیچ‌ها شروع می‌شد و بعد لبخندها و بعد کوشی‌های همراه بالا می‌آمد و آماده عکس‌گرفتن وال‌البته سلفی. بدون استثنا همه خانم‌ها حتما با سلب‌ریتی موردنظر روبوسی هم می‌کردند و همه ابراز علاقه شدید. انگار عشق زندگی‌شان را دیده بودند. این خانم بازیگر مشهور خیلی هم فروتن و ساده و بی‌آلایش و بی‌آرایش بود و خیلی سربه‌زیر؛ اما مردم فوری او را به‌جا می‌آوردند. قدیم‌ترها که کوشی همراه و سلفی نبود، برای اینکه ثابت کنی فلان هنرپیشه معروف را دیده‌ای و با او حرف زده‌ای در اولین تکه کاغذی که زیر می‌آوردی ازش امضا می‌گرفتی تا بعد به دوست و آشنا نشان دهی و یز بدهی. الان اما می‌توانی فوری با او عکس سلفی بیندازی و در اینستاگرام بگذاری، آن‌هم با هشتگ مربوطه و به عالم و آدم فخر بفروشی، این‌از انبور قضیه، اما مطلب دیگری که در آغاز هم به آن اشاره کردم، بحث دلبه حضور سلب‌ریتی‌ها در مناطق زلزله‌زده است. البته اگر در تاریخ معاصر بگردی، احتمالا زدن سنگ‌بنای این رسم به اسم جهان‌پهلوان تختی برمی‌گردد که بعد از زلزله بوین‌رها، کشکولی دست گرفت و راه افتاد برای کمک جمع‌کردن برای زلزله‌زده‌های این منطقه. رسم بدی هم نیست، اینکه احساس همدردی مشترکی که بعد از فاجعه‌های انسانی در جامعه شکل می‌گیرد از سوی یک الگوی فرهنگی تا حدی اغنا و ارضا شود، این نکته مثبت است. در ضمن حتما با همه بزرگی فاجعه، کسانی در منطقه باقی مانده‌اند که تلفاتی از خانواده خود نداشته یا اصلا خسارت زیادی ندیده باشند. برای این بازماندگان خوش‌شانسی زیاد می‌خورد دیدن یک هنرمند مشهور که می‌تواند تسلی‌بخش باشد. در زلزله‌ها ۱۰، ۲۰ ساله اخیر هم؛ از بم گرفته تا ورزقان، بسیاری از هنرمندان برای کمک به این مناطق آستین بالا زده بودند، اما به مقدار که این حرکات و حضورها زیاد شود و یک‌محصول کنه که تکان بخوری در فضای مجازی با عکس و تفصیلات هوا می‌شوی، گاهی به نظر می‌رسد دیگر این کارها کمی زیاده‌روی شده است. یاد حرکت هنرمندان برای بخشش‌گرفتن از خانواده اعدامی‌ها می‌افتم. یک زمانی بود که این حرکت یک تلاش انسانی و ادبکال و پشرو بود و اندک هنرمندان شجاعی برای این امر یا پیش می‌گذاشتند، اما کم‌کم آن قدر این بازیگر و آن فوتبالیست، آن کوچک و بزرگ و فرهیخته و غیرفهیخته در این گل‌ریزان‌ها شرکت کردند و عکس و خیرش همه‌جا پیچید که دیگر به نظر می‌رسد هنرمندان محترم مجبورند این کارها را حتما انجام دهند تا در زرومه کاری‌شان نوشته شود. نمی‌دانم اگر اومبرتو اکو عزیز زنده بود، در مقابل این زرومه‌نویسی چه می‌نوشت.

فرانک آرتا: گویی ایسن روزها فعالیت‌های اجتماعی مهناز افشار از حضورش در سینما پررنگ‌تر شده است. هرچند او از جمله بازیگرانی است که همواره در سینما فعالیت پرثمری دارد، اما رویه دیگر حضورش در صفحات شبکه‌های اجتماعی جالب است؛ مثلا بحث‌های او با مخاطبانش در صفحه رسمی توئیترش، دنیای دیگری را پیرامون همگان تصویر می‌کند.... به هر شکل، دنیای مجازی، انسان امروز و ارتباط‌اتش را آن قدر به هم نزدیک کرده که همه انسان‌ها در برابر هم به‌را‌حی حرف‌هایشان را رک و صریح بیان می‌کنند؛ خواه رئیس‌جمهور و رئیس فلان مؤسسه باشی و خواه ستاره سینما یا کنشگر صلیح. گاهی این برابری‌ها خوشایند است و گاهی طعم تلخ عیب‌جویی و نفرت را با خود به‌همراه می‌آورد. زلزله غرب کشور، بهانه‌ای شد تا با مهناز

افشار گفت‌وگوی کوتاهی انجام دهیم که می‌خوانید.

● واکنش شما به نحوه کمک‌های مردمی و هنرمندان به مردمان زلزله‌زده غرب کشور چیست؟
من اصولا همیشه به همدلی و کار گروهی اعتقاد داشته و دارم. البته اگر کارهای گروهی همراه با نظم و ترتیب و تحت مدیریت واحد صحیح و اصولی هدایت شود، قطعا نتیجه بهتری دارد و اثرگذاری آن طولانی‌مدت خواهد بود. در فاجعه زلزله اخیر که واقعا دل همه ما به درد آمده، مردم حمایت و پشتیبانی عالی کرده‌اند و البته هنرمندان هم در این مسیر کم نگذاشتند و به نظر همین کنار هم و با هم‌بودن‌هایمان قابل احترام و تقدیر است.

● البته برخی‌ها به نحوه کمک‌رسانی‌ها اعتراض داشتند؛ مثلا ورود هنرمندان سینما به این موضوع

.....



گروه هنر: یای ایرانی‌ها هم به پرونده سریال «بازی تاج و تخت» باز شد. واشنگتن‌پست روز ۱۹ نوامبر در گزارشی نوشت وزارت دادگستری آمریکا درصدد اعلام اسامی ایرانیانی است که بدون پرداخت شارژ فیلم داندلود می‌کنند. طبق این گزارش، وزارت دادگستری آمریکا درصدد اعلام اسامی افرادی در ایران است که به اتهام شکستن قفل (رمزگشایی) کانال‌های کددار تلویزیونی کابلی آمریکا توانسته‌اند بدون پرداخت شارژ ماهانه، فیلم داندلود کنند. در ادامه این گزارش آمده است: «مقامات قضائی آمریکا به افرادی از ایران مشکوک شدند که به نظر می‌آید در هک اج‌بی‌او نقش اساسی داشتند. ماه گذشته دادستان امنیت ملی در وزارت دادگستری آمریکا گفته بود در این ماجرا به دنبال رد پای دخالته ایرانی‌ها می‌گردد. این در حالی است که متهمان پرونده می‌گویند، این فشارها فقط به دلیل دستور ترامپ مبنی بر تحریم‌های جدید از سوی‌کنگره به ایران است و مقامات آمریکایی اصرار دارند که نقش ایرانی‌ها را در ایسن پرونده پررنگ کنند». به نوشته واشنگتن‌پست برخی از مقامات فدرال معتقدند، این شهروندان حتی اگر ایرانی باشند؛ سفرهایی به خارج از کشور دارند و باید طبق قوانین با آنها رفتار شود؛ حتی اگر نتیجه بازجویی به این سمت برود که مجرم هستند، دراین‌صورت هم باید آنها را طبق قانون مجازات کنند. یکی از مشهورترین پرونده‌های مطرح در این ماجرا پرونده هک شدن شرکت فیلم‌سازی اج‌بی‌او است. تابستان سال گذشته شرکت اج‌بی‌او هک شد و بخشی از اطلاعات آن به سرقت رفت. واشنگتن‌پست به نقل از منابع آگاه نوشته است که هکرها در آن مقطع مدعی دزدیدن ۱،۵ تریابایت اطلاعات شدند. بنا بر گزارش‌ها، این سرقت شامل بخشی از فیلم‌نامه سریال مشهور «بازی تاج و تخت» و ایمیل یکی از مدیران شرکت شده است. پیش‌ازاین گزارشی از احتمال دخالت ایرانی‌ها در هک‌شدن اج‌بی‌او مطرح نشده بود. هکرها در آن زمان به این شرکت اطلاع دادند که هدفشان پول‌گرفتن از اج‌بی‌او در ازای منتشرنکردن اطلاعات سرقت‌شده است. درنهایت نیز مشخص نشد که اج‌بی‌او به هکرها پول داد یا نه. اما همان هکر اینترنتی خواسته لو داد که



بهار افشار

بهار افشار

بهار افشار

بهار افشار

بهار افشار

بهار افشار

را غیرضروری عنوان کردند. نظرتان دراین‌باره چیست؟

معتقدم یک هنرمند قبل از اینکه هنرمند باشد، یک انسان و یک شهروند است. او هم مثل همه مردم در زندگی از حقوق و وظایفی برخوردار است. بعد از این مسئله، سمت و جایگاهش مطرح می‌شود. هنرمندان مثل هر انسان دیگری وقتی می‌پینند که هم‌وطنان عزیزشان دچار مشکلاتی شده‌اند، طبیعی است که وظیفه خودشان می‌دانند که برای کمک‌کردن وارد میدان شوند. اتفاقا در این مسیر به نظم ووظیفه آنها سنگین‌تر و سخت‌تر است. هنرمندان نمی‌توانند نسبت به مردم خودشان بی‌تفاوت باشند. هرچند که با توجه به وقایع اخیر معتقدم چنین حرکت‌هایی باید مدیریت واحد داشته باشند تا در کمک‌رسانی به مردم به نتایج بهتری منتج شود.

● به عقیده شما، در چنین بزنگاه‌هایی که کشور دچار بحران می‌شود، چگونه می‌توان به هم‌وطنان کمک کرد و اصلا چگونه آموزش‌هایی را برای کمک‌رسانی پیشنهاد می‌دهید؟

قطعا نهادهای تخصصی در زمینه مهار بحران بهتر و شایسته‌تر عمل می‌کنند، چون هم به‌طور اختصاصی برای این موارد آموزش دیده‌اند و هم وظیفه شغلی آنها ایجاب می‌کند که به بهترین شکل معضلات را سروسامان دهند. منتها حمایت‌های مردم و هنرمندان بهتر است شکل کمکی و مکمل به خود بگیرد تا مزاحمتی برای این نهاده‌ها که وظایف اصلی‌شان است ایجاد نکنند. آموزش در همه‌جای دنیا بر پایه اصول و روش‌هایی استوار است که ما را به هدف موردنظر علمی و راحت‌تر به نتیجه می‌رساند و طبیعی است برای هر موضوع و کاری باید آموزش ببینیم و قطعا آموزش مدیریت بحران یکی از مهم‌ترین‌هاست.

● مدت‌هاست که در فضای مجازی، به‌ویژه «توییتر» فعالیت پررنگی دارید و خود را محدود به سینما نکرده‌اید. در کمپین‌های مدنی؛ مثل «بدرسرپست تنهاتر است» مشارکت فعال دارید و درمجموع نسبت به مسائل روز جامعه بی‌تفاوت نیستید. گاهی اوقات حتی دیده شده که مورد حملات شدیدی قرار می‌گیرید، ولی باز هم به راهتان ادامه می‌دهید. انگیزه شما برای این کار چیست؟

خیلی پیش‌ترها هم چنین فعالیت‌هایی داشته‌ام. منتها به لطف شبکه‌های اجتماعی این فعالیت‌ها دیده می‌شوند و این روزها تمرکز اصلی‌ام به‌دلیل تسریع در نتیجه‌بخشی آن، رسیدگی و پیگیری حقوق کودکان است که متأسفانه جزء اولویت در رسیدگی نهادهای دولتی نیست؛ مثلا درباره لایحه حقوقی کودکان فقط قول داده‌اند و در عمل فعلا در نوبت رسیدگی است!! هرچقدر به من بابت حواشی‌های ساختگی دهشنان حمله کنند، اما با همه همه‌ها من مصمم‌تر می‌شوم، چون نگاه کودکان به آینده است و درواقع آنها نمای واقعی کلمه امید هستند و چنین همه‌ها و حمله‌هایی به درد کودکان نمی‌خورد. بااین‌حال توصیه‌ام به حمله‌کنندگان این است که این گوی و این میدان در دست شما، همچنان حمله کنید. منتها انصافا در کنار همه‌تان کاری هم برای بچه‌ها انجام دهید، چون آنها به کمک شما نیاز دارند.

همکاری مشترک بعد از ۲۰ سال مویه ناظری و کامکارها برای کرمانشاه



گروه هنر: شهرام ناظری و گروه موسیقی کامکارها بعد از ۲۰ سال کنار هم جمع شدند و در اولین روز بعد از ماه‌های حرام، کنسرت خیریه بزرگی را در تالار وزارت کشور برگزار کردند که قرار است تمامی عواید آن به زلزله‌زدگان کرمانشاه اختصاص پیدا کند. ناظری و کامکارها که سال‌ها از آخرین همکاری‌شان می‌گذشت، بار دیگر برای کمک به زلزله‌زدگان کرمانشاه دور هم جمع شدند و باوجود فرصت کمی که داشتند، توانستند قطعاتی را آماده کرده و روی سن بیایند. تماشاگران نیز بلیت‌های این کنسرت سه‌هزارنفره را در روز روز سولد اوت کردند تا در این کار انسان‌دوستانه شریک شده باشند و ضمن حمایت از هم‌وطنان آسیب‌دیده‌شان، به تماشای هنر هنرمندان گردی که سال‌ها بود منتظر همکاری مجددشان بودند، بنشینند. نخستین قطعه‌ای که در این برنامه اجرا شد، «لاله بهار»، اثر ماندگار پرویز مشکاتیان بود که بیش از ۲۵ سال پیش با صدای شهرام ناظری و شعری از ملک‌الشعراى بهار منتشر شده بود. پس از اجرای قطعه «دوس»، شهرام ناظری ضمن تشکر از حس انسان‌دوستی مردم و حضور آنها در این کنسرت گفت: ملت ایران همیشه در مقاطع خاص نشان می‌دهد که می‌تواند پیش از همه حرکت کند و این اتحاد ملی ما را نشان می‌دهد. بی‌نهایت از تمام مردمی که عاشقانه به کمک مردم کلمشور، جشنواره‌های ما به نمایش گذاشته شده یا از تلویزیون ایران بخش شده است و هیچ‌کدام از آنها با مجوز یا موافقت طرف خارجی همراه نبوده، مشکلاتی ایجاد کرد که شامل پرداخت جریمه شد». او ادامه می‌دهد: «اینکه افرادی که از آنها به‌عنوان مقصران این پرونده صحبت می‌شود، چه کسانی هستند، در حد خبر است و اطلاعات حقیقیی یا حقوقی از آنها منتشر نشده است».

.....

همکاری مشترک بعد از ۲۰ سال

مویه ناظری و کامکارها برای کرمانشاه



قطعه «شیدا شدم» که از نخستین آثار شهرام ناظری در نوع جدید خوانندگی او بود، از دیگر قطعات برنامه بود و پس از آن نوبت به هم‌نوازی کمانچه، عود و سنتور رسید. ناظری هم سه‌تار خود را به دست گرفت و آواز «عاشقی پیداست از زاری دل» را اجرا کرد. تصنیف «دوش چه خورده‌ای دلا» اثر بعدی بود که اجرا شد و پس از آن نوبت به چند قطعه کردی مانند «کل ونوشه» و «وله من باخی» رسید. آواز کرمانشاهی که ناظری با لحنی سوزناک اجرا کرد، یکی از بخش‌های دلنشین این برنامه بود و در پایان قطعه «ای ایران» ازسوی گروه اجرا شد. اجرای پایانی «ای ایران» توانست حس همدلی بیشتری را در میان حاضران در سالن ایجاد کند. از حواشی این کنسرت می‌توان به نقاشی هنرمندان بزرگ‌رهمر حسین‌پور و بزرگ در زمان اجرای برنامه اشاره کرد که با رنگ سیاه توانست تصویری زیبا را خلق کند. همچنین می‌توان به حضور هنرمندان و اشخاصی مانند لوریس چکناواریان و رؤیا نونهالی در این کنسرت اشاره کرد. گفتنی است زلزله‌ای که بیست‌ویکم آبان‌ماه در کرمانشاه و توابع آن آمد، حدود ۵۰۰ کشته و ۱۰ هزار زخمی داشته و روستاهای بسیاری در هم‌جوارى کرمانشاه به‌شدت تخریب شدند. شهرام ناظری، شوالیه آواز ایران، ضمن ابراز همدردی با هم‌وطنان و هم‌زبانان کردش، درباره برگزاری این کنسرت خیریه در گفت‌وگو با «شرق» گفته بود: درست است که ما نمی‌توانیم همه مشکلات را حل کنیم، اما بخشی از آنها را قطعا می‌توانیم. امیدوارم که مسئولان و هنرمندان در این زمینه ببیندند و راهکارهای خوبی برای آن پیدا کنند. من شخصا بسیار علاقه‌مندم که در این زمینه با مردم کرد همدردی کنم. همچنین باید اشاره کرد که تمام هنرمندان و نهادهای دولتی و غیردولتی و نظامی، همچنین تالار وزارت کشور و تمامی عوامل اجرایی کنسرت هیچ‌گونه وجه مالی‌ای دریافت نکردند و قرار است تا صدرمد عواید کنسرت به نفع زلزله‌زدگان غرب کشور واریز شود. مؤسسه قفقوس، به تهیه‌کنندگی محمدحسین توتونچیان، برگزارى این کنسرت را برعهده داشت.

هنر

زیر آسمان فیروزهای

تقی تقدسی؛ دوبلور و طنزپرداز پیش‌کسوت، درگذشت

● تقی تقدسی؛ دوبلور و طنزپرداز پیش‌کسوت، پیش از ظهر روزگذشته درگذشت. به گزارش ایلنا، ادريس ناصرى، مدير برنامه‌های ماریو تقدسی (فرزند تقی تقدسی)، از درگذشت پدر این خواننده مطرح ایرا در وین خبر داد و گفت: تقی تقدسی در بیمارستان دار فانی را وداع گفت. به گفته ناصری، این هنرمند پس از سگته خفیفی که چند ماه پیش داشت، مدتی را در بیمارستان سبزی کرد و در ۸۸ سالگی درگذشت، ادریسی با بیان اینکه متأسفانه با وجود وابستگی عاطفی زیادی که بین ماریو تقدسی و پدرشان وجود داشت، ایشان تواناست به‌موقع به ایران برگردد، یادآور شد: زمان تشییع پیکر این هنرمند فقید پس از بازگشت پسر ایشان، ماریو تقدسی، مشخص خواهد شد. تقدسی از پایه‌گذاران طنز قهاک‌ی در کشور و از دوبلورهای پیش‌کسوت بود که ۳۰ آبان در ۸۸ سالگی دار فانی را وداع گفت.

مجسمه‌های فلزی و باز یافتی در خاص‌ترین موزه تجسمی ایران

● گروه هنر: نمایشگاه مجسمه‌های فلزی و باز یافتی به‌همراه منتخبی از آثار هنرمندان مازندران، دوم آذر، ساعت ۱۶ در موزه- گالری «دیدى» ایردشهر نور افتتاح می‌شود. در این نمایشگاه که به انتخاب نگار خانه هنری آموزشی «نوران» برپا می‌شود، آثار هنرمندانی مانند جعفر نجیبی، احمد آقازاده، علی بیگی‌پرست، حسین سهرابی، ابراهیم گنجیان، حسن ملانوروز، محسن اسرارزبان، سعید ملانوروز، سیامک نصر، محبوبه بریتان، مرتضی خزائی، فرشید پاک‌نیا، ملاحت رحیم‌پور و حجت حسینی به نمایش گذاشته خواهند شد. در این نمایشگاه عمداً آثار هنرمندان مازندرانی که با استفاده از فلزات بازیافتی ساخته‌شده، در معرض تماشای قرار می‌گیرند. مجموعه فرهنگی، هنری «دیدى»، اردیبهشت ۹۵ با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و مدیریت «علی توسلی»، مجموعه‌دار، در شهرستان نور استان مازندران افتتاح شد. موزه و مجموعه بزرگ «دیدى» که شامل خانه کتاب، مرکز خرید، کافی